

یادداشت



## بروز هیجانات را از کودک سلب نکنیم



واقعیت این است که فرزند انسان از زمان تولد به شدت به خاطر موجودیت و بقای خود وابسته به نگهداری والدین بخصوص مادر است. این بخش غریزی وجود انسان در قالب گریه و طلب کردن مادر و پدر نمود پیدا می‌کند و همین مسئله زمینه‌شکل‌گیری حس دلبستگی‌واحساس ایمن شده را در کودک ایجاد می‌کند. برای ایجاد دلبستگی سه شرط در دسترس بودن، پاسخگو بودن وامنیت‌ادارک شده‌نیاز است. اگر این اتفاق به خوبی پیش برود کودک می‌تواند بسته به شرایط رشدی به آرامی احساس امنیت را درونی کرده و از آن در راستای پیشبرد اهداف رشدی خود بهره‌مند شود. اصولاً مادر دنیای زندگی می‌کنیم که دلبستگی‌ها و همه انواع دیگر اتفاقات نسبی است و هیچ‌وقت این انقباض نمی‌تواند بدون نقص پیش برود. زمانی که رابطه دلبستگی کودک با والدین به شکل ایمن شکل نمی‌گیرد، امکان بروز سه نوع دلبستگی اجتنابی، اضطرابی و دو سوگرا در فرد بالایی‌رود. در این نوع از دلبستگی‌ها به قدری فشار ناشی از نامنی در درون کودک بالایی‌رود که به لحاظ روانی نمی‌تواند اضطراب را تحمل کند و به شکل نمودهای بدنی از جمله گریه، بدحالی، تمارض، کناره‌جویی و حتی بعضاً دل درد، استفراغ، تهوع و گاه تب برون‌افکنی می‌کند.

از طرفی، ویژگی کودک با دلبستگی ایمن این است که اگر هم گاهی از منبع ایمنی دور شوند می‌دانند آن منبع وجود دارد و هر زمان که بخواهند می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. هر اندازه کودک بزرگ‌تر می‌شود خودش را بیشتر به عنوان منبع ایمنی شناسایی می‌کند. اصولاً مدل دلبستگی که در کودکی شکل می‌گیرد همبستگی بسیار بالایی با اختلالات خلقی و روانی در بزرگسالی دارد. اگر چه باید متوجه باشیم که کودک با دلبستگی ایمن می‌تواند گاهی همچنان اضطراب را تجربه کند.

یک فرد سالم به لحاظ روانشناسی کسی است که بتواند از نظر روانی طیف‌های مختلفی از هیجانات را در خود تجربه کند و انسان سالم کسی است که بتواند آن‌ها را به اندازه لازم بروز دهد. بنابراین باید هیجانات کودک را به رسمیت بشناسیم و پروژهای هیجانی‌اش را مورد تأیید قرار دهیم. مثلاً وقتی به کودک مضطرب می‌گوییم «اگر گریه کنی من هم ناراحت می‌شوم، تو اگر بترسی من هم می‌ترسم»، با گفتن این جملات به او دو پیام را منتقل می‌کنیم؛ اول اینکه تو حق نداری هیجان داشته باشی در حالی که او طبیعتاً حق دارد که در طول عمرش تمام هیجانات را داشته باشد. دوم به او احساس گناه منتقل می‌کنیم. بنابراین کودک در چنین شرایطی مجبور است با فشار بیشتری دو هیجان سنگین مختلف را تحمل کند». در حالی که والدین بالغ به لحاظ هیجانی می‌دانند که فرزندان آن‌ها در موقعیت‌هایی ممکن است حال خوب را تجربه نکنند و به این بخش از مسیر رشد آن‌ها احترام می‌گذارند. به آهستگی در صورت تأیید و اعتماد، کودک می‌آموزد که حق دارد گاهی بترسد، مضطرب، عصبانی یا ناراحت شود و یاد می‌گیرد که به موازی تجربه این هیجانات، باید وظایفش را نیز انجام دهد. یعنی این‌طور نباشد که هر زمان من از چیزی ترسیدم اجتناب کنم و سراغ آن نروم. مادر روان‌درمانی معتقد هستیم که اجتناب بزرگ‌ترین مانع هر گونه شفا گرفتن است. چه بسا اضطراب از همان کودکی این فرصت را برای ما فراهم می‌کند که بفهمیم کجاهای زندگی آسیب‌پذیر هستیم و یاد می‌گیریم که در همان نقطه خود را تقویت کنیم. تأکید کنیم که کودکان ممکن است به دلیل نوع دلبستگی‌شان اضطراب را تجربه کنند و یا بعدها به واسطه مدرسه رفتن و یا شغل پدر و مادر اضطراب جدایی در آن‌ها بروز پیدا کند. راهکار این است که به کودکان بفهمانیم باید متوجه هیجانات خود باشند و بدانند حق آن‌هاست که هیجانات خود را بروز دهند. همچنین کمک کنیم که با وجود هر گونه بروز هیجانی، در راستای انجام وظایف اصلی‌شان حرکت کنند. در این صورت آن‌ها خواهند آموخت که زندگی مسیر پرپیچ‌وخمی است که افراد ناگزیرند از دل هیجانات مختلف به تحقق اهداف‌شان نائل شوند.

## جامعه

تکرار و تشدید خشونت دارند؟ این‌ها پرسش‌هایی است که ما را به بررسی جامعه‌شناختی خشونت علیه کودکان در آستانه روز جهانی کودک ترغیب کرد. فاطمه موسوی و یانه، دکترای جامعه‌شناسی و پژوهشگر، گفت‌وگو

### مهین داوری

پژوهشگر

#### مهم‌ترین ریشه‌های خشونت علیه کودکان در قلمرو رفتار فردی و اجتماعی را توضیح دهید؟

ابتدا خشونت در خانواده را تعریف کنیم؛ خشونت خانگی به معنای رفتار خشونت‌آمیز و سلطه‌گرانه یک عضو خانواده علیه عضو یا اعضای دیگر همان خانواده است و خشونت زن و شوهر، بزرگسالان نسبت به کودکان و نسبت به سالمندان خانواده را شامل می‌شود. بهرغم تفاوت‌های فرهنگی، دینی، اقتصادی و اجتماعی بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها، خشونت خانگی در تمام جوامع و فرهنگ‌های جهان کم‌وبیش قابل مشاهده است و در این بین خشونت نسبت به کودکان بیشترین فراوانی را دارد.

کودکان جزو آسیب‌پذیرترین اعضای جامعه هستند و خشونت علیه آنان باعث می‌شود در پروراندن خویشتن و الگوهای فکری و رفتاری دچار مشکل بشوند و تبعات آن تا سال‌ها با آن‌ها خواهد ماند و به سختی التیام پیدا می‌کند. خشونت علیه کودکان شامل حملات جسمی، جنسی، کلامی و روانی و همچنین نادیده گرفتن کودک و عدم تأمین نیازهای مادی و عاطفی اوست. تأخیر در رشد، تصویر منفی از خویشتن، رفتارهای خودپرورانگ و رفتارهای غیراجتماعی کودک پیامدهای آزار دیدن کودک از سوی والدین است.

تحقیقات نشان می‌دهد شایع‌ترین نوع خشونت علیه کسودکان آزار کلامی و نادیده گرفتن نیازهای عاطفی آن‌هاست. می‌خواهم بیش از همه به آزار کلامی تأکید کنم که به نظر ملایم‌تر از سایر خشونت‌ها به نظر می‌رسد. بیشتر افرادی که فرزندان‌شان را با کلام آزار می‌دهند خودشان هم در کودکی چنین تجربه‌ای داشته‌اند. آن زمان احساسات ناخوشایندی را تجربه کرده‌اند اما این ایده ناخودآگاه در ذهن‌شان شکل گرفته که رابطه والد-فرزندنی این‌گونه است و این رفتارها بدون اینکه عمدی باشد یا در یک موقعیت پر استرس و عصبانیت قبل از اینکه بتوانند خودشان را کنترل کنند آشکار می‌شود. آن‌ها کودک‌شان را به‌مان

#### عضوانجمن حمایت از حقوق کودکان در گفت‌وگو با آتیه‌نو:

## خانواده‌ها را برای عدم خشونت نسبت به کودکان آموزش دهیم

هستند. خشونت علیه کودکان در همه کشورهای جهان وجود دارد. خانواده‌های تحصیلکرده و بر خوردار و خانواده‌های فقیر به روال معمول از خشونت به عنوان ابزار تنبیهی استفاده می‌کنند. خشونت وقتی اتفاق می‌افتد که کسانی عمداً و نه تصادفی از زور و قدرت‌شان برای آسیب‌زدن به دیگری استفاده می‌کنند. «او با بیان اینکه کودک‌آزاری و خشونت در تمام دنیا اتفاق می‌افتد، افزود: «طبق آمار سازمان ملل بیش از ۹۰۰ کودک در در یای مدیترانه در مدت سه سال گذشته غرق شده‌اند.» پژوهش گفت: «مناسبات دنیای مدرن و سرمایه‌محور بر بنیاد کار ارزان استوار است و طبیعتاً کودک ارزان‌ترین نیروی کار موجود است و سوداگران علاقه فراوانی به افزایش سرمایه و بهره‌وری دارند. همین مناسبات ناعادلانه شرایط را برای مبارزه با به کارگیری کودکان کار دشوار تر می‌سازد.» او افزود: «طبق گزارش نهادهای بین‌المللی، نزدیک به نیمی از کودکان کار در آفریقا (۷۲ میلیون) و تعداد قابل توجهی نیز در آسیا واقیانوسیه (۶۲ میلیون) زندگی می‌کنند. وضعیت بد اقتصادی و پاندمی کرونا در ایران، عرصه را برای کودکان کار بسیار دشوار تر ساخته است.» پژوهش ادامه داد: «به نظر می‌رسد تنهاهم‌افزایی میان قوا و نیز همکاری با ساسازمان‌های مردم‌نهاد می‌تواند راه‌حلی پایدار برای پایان دادن به این پدیده شوم یا حداقل کاهش دادن روند به کارگیری کودکان، ارائه دهد.» این عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان افزود: «آمار‌ها نشان دهنده این است که خانواده‌ها با «حق بقا»ورشد همه‌جانبه کودک» که اولین حق کودکان است آشناییستند و تنها فرصت زندگی را به تصمیمات نادرست و اعمال خشونت از آن‌ها سلب می‌کنند.»

#### لزوم آموزش خانواده‌ها

پژوهش در خصوص نقش حاکمیت در کنترل و کاهش خشونت علیه کودکان گفت: «در تمام دنیا، دولت‌ها موظف شده‌اند در مواردی که خانواده‌ها کودکان را مورد آزار قرار می‌دهند از کودکان حمایت کنند و به خانواده‌ها آموزش‌های



فرزندپروری در جامعه است. اینجاست که نقش حاکمیت بر جسته می‌شود، اما متأسفانه دولت‌های گذشته در ایران با وجود پیوستن به «کنوانسیون حقوق کودک» نسبت به حقوق کودکان حساسیت لازم را نداشتند. در نظام حقوقی ما خشونت خانگی مهم انگاشته نمی‌شود و مواردی مثل تنبیه بدنی فرزند توسط پدر مجاز شمرده شده و جرم محسوب نمی‌شود. در مواردی چون قتل کودک توسط پدر نیز مجازات حداکثر ۱۰ سال زندان است. کودک-همسری یعنی شوهر دادن دختر نوجوان و زیر سن رشد که نوعی خشونت جنسی محسوب می‌شود و می‌توان از بروز آن جلوگیری کرد. من رویکرد کلان و ساختاری دارم و وزن کم‌کاری‌ها در مواجهه با خشونت علیه کودکان را بالا می‌دانم.

بر اساس نتایج پژوهش‌ها و گزارش‌های میدانی از یک سال گذشته تاکنون نسبت به قبل میزان خشونت خانگی واجتماعی علیه کودکان کاهش یافته با افزایش؟

لازم و حمایت‌های روانی از کودکان را ارائه کنند.» او ادامه داد: «در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که تا حدودی بخشی از حقوق کودکان را در نظر گرفته «بهد حمایتی» که از کودک در موقع دگر آزاری حمایت کند وجود ندارد.» پژوهش با تأکید بر اینکه در این قانون خانه امن برای کودکان لحاظ نشده، گفت: «در شرایط کنونی، پیام ما به مردم -علاوه بر درخواست جدی از دولت مبنی بر ایجاد خانه‌های امن برای کودکان- این است که خانه امن کودک همسایه باشید.»

#### اجرای قوانین دوستدار کودک

او در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه راهکار کاهش و حذف خشونت علیه کودکان چیست، گفت: «بیش از هر چیز دولت‌ها باید با تدوین و اجرای قوانین دوستدار کودک هزینه کودک‌آزاری و خشونت علیه کودکان را بالا ببرند. همچنین امکانات آموزش فرزندپروری و مهارت‌های زندگی را برای خانواده‌ها به شکل رایگان فراهم کنند.» پژوهش گفت: «مادر سال ۱۳۸۴ مقاله‌نامه بین‌المللی «محبوب‌ترین شکل کار» را امضا کردیم و از وزارت کار خواستیم تا این مقاله‌نامه را به صورت مؤثر به اجرا بگذار. بچه‌ها نیاز به آموزش دارند. خانواده‌ها باید شناسایی شوند و افراد بزرگسالی که در خانواده هستند، باید مهارت‌های فنی را دریافت کنند و برای خودشان محل درآمدی داشته باشند تا کودکان مجبور به کار نشوند.»

او افزود: «بحث جرم‌انگاری بهره‌کشی از کودکان در قانون مطرح شده است. اما نکته اینجاست که علاج این در داجتماعی، فقط ممنوع اعلام کردن کار کودک نیست. این قانون را باید یک نفر اجرا کند. مجری قانون باید بسترهایی را که کار کودک را به وجود می‌آورد شناسایی کند و آن‌ها را از بین ببرد تا کار کودک از جامعه حذف شود.» پژوهش در خصوص بسترهای شناسایی کار کودک اضافه کرد: «این بسترها خیلی روشن هستند از جمله فقر، حاشیه‌نشینی، جهل و خشونت. این‌ها مثلث شرارتی را به وجود می‌آورند که زمینه‌بهره‌کشی از کودکان را فراهم می‌کند.

#### یک پژوهشگر مسائل اجتماعی در گفت‌وگو با آتیه‌نو مطرح کرد

# سبک فرزندپروری استبدادی دلیل عمده خشونت علیه کودکان

مسائل اجتماعی ایران در گفت‌وگو با «آتیه‌نو» تأکید کرد که اگر چه عمده خشونت علیه کودکان در خانواده و به دلیل سبک فرزندپروری استبدادی رخ می‌دهد، اما نباید از نقش جامعه در بی توجهی و بعضاً سکوت در برابر خشونت علیه کودکان غفلت کرد. در ادامه متن گفت‌وگوی ما را با این جامعه‌شناس پژوهشگر مسائل اجتماعی ایران بخوانید.

هیچ آمار رسمی و دقیقی وجود ندارد و حتی آمارهای مراکزی چون اورژانس اجتماعی که نشان دهنده افزایش خشونت علیه کودکان است باید با احتیاط بررسی شود، زیرا آمار مرکز اورژانس اجتماعی آمار موارد گزارش شده خشونت است و دقیقاً به معنای افزایش حساسیت و گزارش خشونت علیه کودکان است نه بالا رفتن تعداد وقایع خشونت علیه کودکان.

در عین حال تحقیقات اجتماعی نشان می‌دهد با افزایش تورم، فقر و بیکاری موارد خشونت علیه کودکان افزایش می‌یابد. کودکان بیشتری از تحصیل بازمی‌مانند، دچار سوءتغذیه و محرومیت از امکانات بهداشتی می‌شوند و دختران نوجوان بیشتری به ازدواج مجبور می‌شوند. در خانواده‌هایی که با مشکلات مالی و فقر روبه‌رو هستند از میزان تحمل والدین نسبت به شیطنت‌ها یا نافرمانی‌های کودکان کاسته می‌شود و موارد بیشتری از خشونت بدنی و کلامی رخ می‌دهد.

#### راهکار مبارزه با خشونت علیه کودکان از منظر جامعه‌شناختی چیست؟

به سه شیوه می‌توان یک رفتار اجتماعی را تغییر داد: تصویب قوانین بازدارنده، بازآرایی اجتماعی و آموزش. تصویب قوانین بازدارنده در حیطه اختیارات دولت است و با توجه به رویکرد نظام حقوقی ما در کوچک شمردن خشونت خانگی و عدم حساسیت به خطرات علیه کودکان نمی‌توان انتظاری داشت، اما بخش آموزش و فرهنگ‌سازی و بازآرایی اجتماعی می‌تواند توسط سازمان‌های غیردولتی و شرکت‌ها و مؤسسات انجام شود. با وجود مشکلات بسیار هنوز چندین سازمان غیردولتی برای حمایت از کودکان تحت خشونت یا در معرض آسیب مانند کودکان کار، کودکان بازمانده از تحصیل و کودکان مهاجر فعالیت دارند. نباید از قدرت شبکه‌های اجتماعی نیز غافل شد که هر روز بیشتر به ترویج ارزش‌های مدرن در برخورد با کودکان محتوا تولید می‌کنند. با وجود مشکلات و چالش‌های بسیاری که وجود دارد در نهایت روند تغییرات اجتماعی و فرهنگی امیدبخش و به سمت توجه به جایگاه کودکان و بهبود شرایط آنان است.

همه مثل حلقه‌های زنجیر به همدیگر وابسته هستند. کودک باید بتواند از حقوق اساسی خودش بهره‌مند شود.» او با تأکید بر اینکه رسانه‌ها نباید تنها اخبار خشونت را منتشر کنند، گفت: «روزانه صدها و هزاران اقدام برای زندگی صلح‌آمیز در جهان اتفاق می‌افتد اما اغلب رسانه‌ها اخبار جنگ، خشونت، بمب‌بو... را مخابره می‌کنند.» این فعال حقوق کودک گفت: «آنچه بیش از همه چیز به عنوان گاهی نو در سال گذشته به چشم می‌خورد تلاش‌های مسالمت‌آمیز و بدون خشونت مردم و به‌ویژه نسل جوان برای دستیابی به حقوق فردی واجتماعی است. امید می‌رود که مسئولان کشور حقوق کودکان را به رسمیت بشناسند و مسیر بدون خشونت را که نوجوانان آغازگر آن هستند پاسخگو باشند و در هموارسازی آن بکوشند.»

#### مطالبه اصلاح قوانین

این فعال حقوق کودک کاموریت اصلی انجمن حمایت از حقوق کودکان را تلاش در جهت اجرا و اصلاح قوانین به نفع و در حمایت از کودکان خواند و افزود: «انجمن در تلاش است که خلأهای قانونی را شناسایی کند و بررسی کند که با وجود این خلأ‌ها چه قانون اصلاحی و جایگزینی می‌توان در راستای تأمین منافع عالی کودکان وضع کرد.» پژوهش ادامه داد: «انجمن مطالبه شفاف‌سازی و اجرای قوانین موجود را در اولویت قرار داده است. قانونی که بودجه‌ای برای آن در نظر نمی‌گیرند یعنی بی‌قانونی. قوانین برای تسهیل زندگی انسان‌ها وضع می‌شوند زمانی که برای اجرای آن بودجه‌ای در نظر نمی‌گیرند چه فایده‌ای دارد.» این فعال حقوق کودک با اشاره به درخواست سمن‌ها در زمینه شفاف‌سازی مسائل حوزه حقوق کودکان، افزود: «درخواست سمن‌ها از جمله انجمن حمایت از حقوق کودکان اجرای قانون مصوب سال ۱۳۸۴ در حمایت از کودکان است. همچنین باید اقدامات انجام شده دقیق و شفاف به سازمان بین‌المللی کار گزارش شود و خاطیان تحت پیگرد قانونی و مجازات قرار گیرند.»